



مهدی احسان

تاریخ مصاحبه: ۹۴/۳/۹

مصاحبه کننده: سید مصطفی هاشمی یرکی

دانشکده: مهندسی برق

سال ورود: ۱۳۴۶



• شما در زمان ریاست دکتر سهراب‌پور دوباره معاون آموزشی دانشگاه شدید. از فعالیت‌های آن دوره بفرمائید؟

یکی از کارهای خیلی خوب در آن دوران، افزودن چند دانشکده مهم و ضروری به دانشگاه بود. تا آن زمان ۱۰ دانشکده بیشتر نداشتیم و طی سال‌های طی شده، هیچ‌گونه تغییری نکرده بود. راه‌اندازی چند دانشکده نیاز کشور بود. دانشکده مدیریت و اقتصاد در این زمره قرار داشت. این دانشکده با کمک دکتر مشایخی تاسیس شد. دانشکده هوا فضا مورد دیگری بود که از دل دانشکده مکانیک بیرون آمد. نیاز بعدی دانشکده متالورژی بود که به دانشکده علم مواد تغییر نام داد، چرا که متالورژی خیلی محدود بود در حالی که دانشکده علم مواد فعالیت‌های وسیع‌تری نسبت به دانشکده متالورژی داشت. همچنین در مملکت نیاز خیلی شدیدی در ارتباط با مواد صنعتی محسوس بود و هست. بر همین اساس نام دانشکده را به علم مواد تغییر دادیم. کوشش کردیم دانشکده نفت را ایجاد کنیم که منجر به راه‌اندازی گرایش صنایع نفت در دانشکده مهندسی شیمی شد. البته این اتفاق به کمک شرکت نفت و مهندس بیژن زنگنه رخ داد. در حقیقت صنایع بالا دستی نفت را که یکی از زمینه‌های مورد نیاز بود به دانشکده مهندسی شیمی آوردیم. از دیگر دانشکده‌هایی که راه‌اندازی شد دانشکده انرژی بود که قبلاً به صورت یک گروه در دانشکده مکانیک فعالیت می‌کرد در حالی که حوزه فعالیتش به چند دانشکده دیگر نظیر مهندسی شیمی، نفت، برق و حتی فیزیک هم مربوط می‌شد. اینها قسمتی از کارهای اساسی بود که طی چهار سال کوشش با حمایت رئیس دانشگاه و یاری همکاران به نتیجه رسید. دیگر اینکه سیستم ثبت نام را تغییر دادیم تا دانشجویان بتوانند به صورت آنلاین، ثبت نام کنند.

دکتر تابش که رئیس مرکز محاسبات بود کمک زیادی کرد تا سیستم کامپیوتری به‌روز شد، طوری که دانشجویان بتوانند با ترمینال و سیستم کامپیوتری خودشان، ثبت نام کنند. با وجود کمک‌های موثر دکتر تابش و مهندس اژدری در بخش آموزش برای به‌روزرسانی سیستم رایانه‌ای وقت زیادی صرف شد. قرارداد دانشگاه کیش از کارهای دیگر بود. یک واحد دانشکده غیرانتفاعی قبلاً در کیش بود که وضع خیلی بدی داشت. قراردادهایی از این طرف و آن طرف با موسسات خارجی بسته بودند. اولین قرارداد را با منطقه آزاد کیش منعقد کردیم. آن دانشکده غیرانتفاعی را از حالت شرکتی خارج کرده و به دانشگاه انتقال



دادیم. مدیریتش را نیز به هیات امنای دانشگاه سپردیم. سپس یک موسسه آموزشی با هدف جذب دانشجویهای خارجی منطقه راهاندازی کردیم که خیلی موفق نشد. فعلا فقط بخش کارشناسی ارشد و دکترا در آنجا دایر است و آموزش‌های به اصطلاح غیر کلاسیک به مدیران و مسئولان سازمان‌های دولتی ارائه می‌شود. دکتر سهراب‌پور، رییس دانشگاه با زحمت زیاد، بودجه‌هایی را از منابع مختلف جذب کرده تا وضع آزمایشگاه‌ها را دگرگون کنیم و در این باره تاحدی موفق شدیم. وضع بودجه تعریفی نداشت ولی به کمک ریاست دانشگاه و پادرمیانی عده‌ای از خیران و کمک‌های مختصری از بعضی ارگان‌های دولتی مانند شرکت نفت، وزارت صنایع و وزارت نیرو، وضع آزمایشگاه‌ها مقداری بهتر شد ولی هنوز هم به کمک نیاز دارد.

• ارزیابی تان درباره وضعیت آزمایشگاه‌ها نسبت به ۱۰ سال پیش چگونه است؟

کوشش‌هایی شده و بودجه‌هایی جذب شده اما اصلا کافی نیست. شاید یک‌دهم آن چیزی که باید صرف شود، صرف نشده است. متاسفانه وضع بعضی از آزمایشگاه‌ها همان طور است که چهل سال پیش بود. خوشبختانه در دانشکده برق با کمک دکتر فتوحی که فعلا رئیس دانشگاه هستند و دکتر روستا آزاد رییس سابق، کوشش خودمان و حمایت‌های دکتر سهراب‌پور، اقدامات خوبی انجام شده است. البته ما پیگیرهای فراوانی داشتیم و در زمان ریاست دکتر روستا آزاد چند بار از ایشان خواهش کردیم آزمایشگاه‌ها را بازدید کردند تا اینکه توانستیم حدود چهار الی پنج آزمایشگاه را به‌روز کنیم. ولی باز جا دارد که در این زمینه کار شود. وضعیت دانشکده برق بد نیست. بر اساس شنیده‌ها بقیه دانشکده‌ها وضع خوبی ندارند. در مورد دانشکده برق و آزمایشگاه‌هایش خیلی پیگیری کردیم و همه همکاران کمک کردند. به رغم مخالفت‌هایشان که می‌گفتند چرا همه توجه به دانشگاه برق است اما قبول داشتند که باید کمک شود و کمک کردند.

• ارتباط دانشگاه با صنعت نسبت به پیش از انقلاب چگونه است؟

پیش از انقلاب تقریباً رابطه‌ای با صنعت نداشتیم و یا خیلی کم و در عین حال هدایت شده به جاهای خاص و خیلی محدود بود. پس از انقلاب، خارجی‌ها همه رفته بودند و صنعت



مانده بود. از دانشگاه‌های صنعتی عده ای وارد صنعت شدند و دانشگاه و صنعت در هم آمیختند. مدتی دانشگاه‌ها تعطیل بود. پس از آن نیز هنوز چندان از انقلاب نگذشته بود که جنگ شروع شد و دانشگاه‌ها مدتی تعطیل شدند تا دوباره بازگشایی شد. تا مقطعی هم مسوولان صنعت فکر می‌کردند پاسخ همه مسائل در آستین دانشگاه‌ها است و این مراکز علمی فوراً می‌توانند همه مسائل را حل کنند. در حالی که دانشگاه‌ها وظیفه و نقش خاص خودشان را دارند. دانشگاه‌ها باید با صنعت همکاری کنند نه اینکه بخواهند همه مسائل صنعت را رفع کنند. روزهای اول تصورات عجیبی وجود داشت و هنوز هم این دیدگاه وجود دارد و عده‌ای تصورشان است که نقش اصلی دانشگاه‌ها رفع مسائل روزمره صنعت است. البته از آنجا که دانشگاه‌ها از قبل وارد صنعت شده بودند مسائل را خوب شناختند در نتیجه همکاری خوبی با صنعت آغاز شد. با همه این‌ها اگر شرایط کنونی را با پیش از انقلاب ارزیابی کنید به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای شده که هرچه وقت داشته باشید و هر پیشنهاد یا کاری به بخش صنعت ارائه دهید نه تنها نسبت به آن مقاومت نمی‌کند بلکه استقبال هم می‌کنند. دانشگاه‌ها هم مسئولیت‌ها و وظایف خاص خودشان را دارند. صنعت نیاز به کارشناس متخصص خودش دارد. دانشگاه باید متخصص تربیت کند و بتواند به صنعت کمک کند تا چرخه صنعت بهتر و اصولی‌تر بچرخد. نه اینکه دانشگاه بخواهد مسائل را حل کند چون فرصت ندارد و از کار اصلی خودش که در واقع آموزش و پرورش مهندسان متخصص است عقب می‌ماند.

- به نظر تان روند فعالیت‌های دانشگاه در جهت اهداف اولیه دانشگاه قرار دارد یا خیر ؟

معتقدم دانشگاه در جهت اهدافش حرکت کرده است. یکی از اهدافش حرکت در جهت پیشبرد مرزهای دانش بوده است. تربیت متخصصان برای حل مسائل صنعتی کشور وظیفه دیگری است که جهت‌گیری خوبی داشته اما مشکل این‌جاست که وقتی متخصص تربیت می‌کنی عده‌ای در این مملکت نمی‌مانند که این دیگر دست دانشگاه نیست.



- **مشکل کجاست که فارغ‌التحصیلان برای رفتن به خارج از کشور علاقه زیادی دارند؟**

ببینید این مسئله ابعاد مختلفی دارد. این گرفتاری که متخصصان می‌روند فقط در مملکت ما نیست همان موقع که من در انگلیس مشغول تحصیل بودم گرفتاری بزرگ آنها هم این بود که پزشکانشان پس از فارغ‌التحصیلی به آمریکا می‌رفتند. اما آنها برنامه‌ریزی کرده بودند. می‌دانستند پزشکان در آن طرف وضع زندگی و کار بهتری دارند و نمی‌شود جلوی آنها را گرفت. از این رو قوانینی وضع کردند که وقتی پزشکی فارغ‌التحصیل می‌شد اگر از کمک دولت استفاده کرده بود چگونه و اگر از کمک دولت استفاده نکرده بود چطور و به هر حال باید مدتی در کشور خودش کار می‌کرد و پس از مدت مشخصی، اگر می‌خواست می‌توانست به نوبت از کشورش خارج شود. در عین حال سعی می‌کردند ماندن در کشور را برای آنها جذاب‌تر کنند. به طور کلی نیروهای متخصص اگر بخواهند بروند کار زیادی نمی‌توان انجام داد.

- **چرا فارغ‌التحصیلان ما هم پس از پایان دوره کارشناسی ارشد یا دکترا از کشور مهاجرت می‌کنند؟**

شرایط ما در این باره جدی‌تر است. در شرایط متلاطم اجتماعی اصولاً یک فرد متخصص نمی‌تواند خیلی مفید باشد و این پدیده‌ای طبیعی است. انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و پس از آن جنگ اتفاق افتاد و به ما حمله شد. باز هم عده‌ای ماندند و حتی عده‌ای هم در میانه تحصیل به کشور برگشتند ولی معمولاً در شرایط متشنج یا جایی که امنیت اجتماعی، شغلی و درآمدی نیست متخصصان نمی‌توانند کار کنند. این یک قانون طبیعی است و دانشگاه هم نمی‌تواند کاری انجام دهد. در حقیقت متخصص باید احساس کند کارهای جالبی برایش وجود دارد. در حالی که می‌تواند کمک کند برایش شرایط پیشرفت نیز مهیا است. اگر احساس کند چنین چیزی هست می‌ماند اما اگر نباشد سعی می‌کند محیطش را تغییر دهد.



• نحوه فعالیت‌ها و همکاری استادان با دانشجویان در دانشگاه چطور است؟

فشار کار خیلی زیاد است. در حال حاضر نسبت تعداد استادان به دانشجویان در این دانشگاه که تقریباً از بهترین دانشگاه‌های فنی مهندسی در کشور به حساب می‌آید مناسب نیست. آمار دقیق ندارم شاید به هر استاد بیست و پنج دانشجو می‌رسد که این خیلی زیاد است. در بیشتر دانشگاه‌های خوب دنیا این ضریب از ۱۰ تا ۱۵ دانشجو برای هر استاد است. دانشگاه‌های خیلی خوبی هم هستند که هر استاد، شش تا هفت دانشجو دارد. بنابراین در چنین شرایطی و با این تعداد دانشجو، به استاد فشار می‌آید. نکته دیگر وضعیت اقتصادی است. استادها تامین نمی‌شوند در نتیجه ناچار هستند کارهای جنبی هم داشته باشند. این کارهای جانبی در بهترین شرایط می‌تواند خدمت در صنایع باشد ولی وقتشان را می‌گیرد یعنی آن وقتی را که می‌خواهند در فضای دانشگاه و برای دانشجویانشان داشته باشند، ندارند. تعداد زیادی از استادان بیرون کار می‌کنند و این‌ها گرفتاری‌هایی است که به هر حال نه تنها در این دانشگاه بلکه در اغلب دانشگاه‌های فنی کشور وجود دارد.

• نظرتان درباره برنامه‌های توسعه دانشگاه از نظر فیزیکی، آموزشی و پژوهشی چیست؟

کمبود فضای دانشگاه مشکلات بسیاری ایجاد کرده و در حال انفجار است. انگار دانشگاه به پارکینگ عمومی تبدیل شده است. از در بالا که وارد می‌شویم در دو سوی خیابان‌های دانشگاه، ماشین پارک شده، طوری که یک عابر پیاده به سختی می‌تواند عبور کند. از سوی دیگر رانندگی کردن هم بسیار مشکل شده است. ساعات تعطیلی کلاس‌ها یا روزهای فرد که کلاس‌ها شلوغ می‌شود، بیرون رفتن با خودرو از دانشگاه، تقریباً محال است. در واقع دانشگاه در حال انفجار است. واقعیت این است که این دانشگاه برای ۲ هزار دانشجو طراحی شده بود اما اکنون دوازده هزار دانشجو دارد. واحد علوم تحقیقات در حصارک قبلاً جزو فضای گسترش این دانشگاه بوده که در یک مقطعی به دانشگاه آزاد واگذار شد. پس از آن در زمان ریاست دکتر اعتمادی، دانشگاه زمینی را در بالای دهکده المپیک با زحمت زیاد خریداری کرد که نیمی از آن را نیروی انتظامی گرفت و نسبت به نصف باقیمانده، شهرداری هم مدعی است. یک خط انتقال نیز از داخل آن عبور می‌کند. الباقی زمین که حدود ۳۰ هکتار است برای دانشگاه باقی مانده است. می‌شود بعضی از آزمایشگاه‌ها،



کارگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی یا حتی بعضی از دانشکده‌ها را به آن جا منتقل کرد. به نظر من برای پارکینگ دانشگاه باید چاره‌ای اساسی اندیشیده شود شاید به کمک یک پارکینگ چندطبقه مسئله خودروها حل شود. در واقع دانشگاه باید یک حداقل فضای سبز و آرام‌بخش داشته‌باشد. زمین فوتبالی که پیش از این دانشجویان در آن بازی می‌کردند در حال حاضر به دانشکده هوا فضا تبدیل شده است. وضع فیزیکی‌مان حتی در مقایسه با بقیه دانشگاه‌ها مانند دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت یا دانشگاه امیرکبیر بسیار بد است. اگر فضای آن‌ها را با فضای موجود در این دانشگاه برای هر دانشجو مقایسه کنید می‌بینید وضع ما اسفبار است.

• معتقدید دانشگاه الان پیر شده یا پخته؟

عمر دانشگاه ما خیلی بالا نیست که بگوییم دانشگاه پیر شده است. دانشگاه‌های معتبر دنیا صد سال و دویست سال و بعضی عمر بیشتری هم دارند. دانشگاه ما به نسبت دانشگاه‌های دنیا جوان است. تازه پنجاهمین سال تولدش را جشن می‌گیریم. در حالی که دانشگاه‌های کمبریج، آکسفورد و بعضی از دانشگاه‌های خوب و بزرگ دنیا دویست سال عمر دارند. این دانشگاه، دانشگاه جوانی است اما به آن نرسیدیم. همان‌طور که گفتم از نظر فیزیکی به حالت انفجاری رسیده مثل جوانی که زود پیر شده است.

• در پنجاهمین سال فعالیت دانشگاه چه پیشنهادهایی برای آینده دارید؟

دانشگاه باید خصوصی باشد یعنی مبتنی بر درآمدی که کسب می‌کند اداره شود یا باید دولتی باشد. اگر دولت این رسالت را برای خودش قائل باشد که یک دانشگاهی را اداره کند باید هزینه‌اش را هم بپردازد. اشکالی ندارد دولت بگوید این دانشگاه خصوصی شده و خودش باید مخارجش را از درآمد و یا سایر منابع تامین کند. در این صورت تکلیف روشن می‌شود. ما هم از خیرین و یا شهریه و سایر فعالیت‌ها درآمد کسب می‌کنیم و دانشگاه یک موسسه خصوصی می‌شود که ایرادی هم ندارد. خیلی از دانشگاه‌های معتبر دنیا خصوصی هستند. دولت ما هر روز در حال تاسیس دانشگاه جدید دولتی است. ظرف این هفت، هشت سال گذشته، تعداد زیادی دانشگاه دولتی درست کرده است. در حالی که



بودجه لازم را به آنها نداده یا ندارد که بدهد. در واقع وضع آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها نامطلوب است. دانشگاه دولتی تاسیس کردن خوب است اما باید هزینه‌اش را هم تامین کرد وگرنه بهتر است روی پای خودش باشد. دانشگاه‌مان یک دانشگاه دولتی است ولی به ما گفتند بروید خودتان قسمتی از بودجه را تامین کنید. این موضوع گرفتاری ایجاد می‌کند به‌ویژه اگر بخواهیم این بودجه را از بخش آموزش تامین کنیم. یک موسسه دولتی اهداف، اولویت‌ها، سیاست‌ها و رسالتش نسبت به یک موسسه خصوصی متفاوت است.